



Analysis of spiritual intelligence in the story of "Khalil Kafir" based on Robert Emmons' point of view

Omid Jahanbakht Layli¹  and Nazanin Pour Mohsen² 

1 Corresponding author: Associate professor of Arabic Literature in University of Guilan, Guilan, Iran. Email: omid.jahanbakht@guilan.ac.ir

2 Master of Arabic Literature. University of Guilan, Guilan, Iran. Email: N.pourmohsen79@gmail.com

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article	Spiritual intelligence refers to the skills, abilities, and behaviors necessary to develop and maintain a connection with the ultimate source of all beings, success in searching for life goals, and finding the right moral path that helps our salvation in life. This intelligence, which is based on human values, beliefs and actions, gives him the ability to search for growth and excellence in the realities of life in various situations. Robert Emmons (born in 1958), a professor at the University of California and a researcher of personality psychology, emotional psychology and the psychology of religion, is among the first to discover spiritual intelligence. Since Gibran Khalil Gibran (1931-1983) used the teachings of the Holy Quran and Islamic Sufism in some of his works, it can be considered that his intellectual system in his works is related to spiritual intelligence. Therefore, the functions and components of this intelligence in the story of "Khalil Kafir" are the subject of this research. Although Gibran Khalil Gibran did not directly mention spiritual intelligence in the story of Khalil Kafir; but since the approach of his works is very inclined to the dimensions of spiritual intelligence, including ideological and cognitive dimensions, emotional and emotional dimensions, and volitional dimensions, therefore, this strengthens the hypothesis that Gibran unintentionally used the images and principles of this intelligence in his works. By studying some works of Gibran, Khalil Gibran, especially the story of "Khalil Kafir", it is concluded that Gibran unconsciously used his spiritual intelligence in the direction of the growth and excellence of the inferior people in society and their relationship with God and others. It should be mentioned that the present research tries to investigate the components of spiritual intelligence based on the theory of Robert Emmons in the story "Khalil Kafir" by Gibran Khalil Gibran by using qualitative approach and descriptive-analytical method.
Article history: Received 2024 Jun 25 Received in revised form 2025 Mar 9 Accepted 2025 Apr 3 Published online 2025 Jun 10	
Keywords: Spiritual Intelligence, Robert Emmons, Gibran Khalil Gibran, the story of "Khalil Kafer".	

Cite this article: jahanbakht layli, O., and Pour Mohsen, N., (2025), Analysis of spiritual intelligence in the story of "Khalil Kafir" based on Robert Emmons' point of view. *Arabic Prose Studies*, 2 (2). 34-47. DOI: <https://doi.org/10.22091/npa.2025.10927.1020>



© The Author(s)

DOI: <https://doi.org/10.22091/npa.2025.10927.1020>

Publisher: University of Qom



تحليل الذكاء المعنوي في قصة "خليل الكافر" لجبران خليل جبران على ضوء وجهة نظر روبرت إيمونز

اميد جهان بخت ليلي^١ و نازنين پور محسن^٢

١. الكاتب المسؤول: أستاذ مشارك في قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة جيلان، جيلان، إيران. البريد الإلكتروني:omid.jahanbakht@guilan.ac.ir

٢. ماجستير في الأدب العربي، جامعة جيلان، جيلان، إيران. البريد الإلكتروني: N.pourmohsen168@yahoo.com

معلومات المقالة	الملخص
نوع المادة: مقالة محكمة	تشير الذكاء المعنوي إلى المهارات والقدرات والسلوكيات اللازمة لتطوير والحفاظ على العلاقة مع المصدر النهائي لجميع الكائنات، والنجاح في السعي نحو أهداف الحياة وإيجاد المسار الأخلاقي الصحيح الذي يساعدنا على الخلاص في حياتنا. هذا الذكاء، الذي يعتمد على القيم والمعتقدات وأفعال الإنسان، يمنحه القدرة على البحث عن النمو والرفق في واقع الحياة في ظروف متنوعة. يُعتبر روبرت إيمونز (Robert Emmons) (مواليد ١٩٥٨) أستاذ علم النفس بجامعة كاليفورنيا وباحث في علم نفس الشخصية، وعلم نفس العواطف، وعلم نفس الدين، من أوائل الذين اكتشفوا الذكاء المعنوي. نظرًا لأن جبران خليل جبران، الكاتب اللبناني (١٨٨٣-١٩٣١)، تناول في بعض مؤلفاته تعاليم القرآن الكريم والتصوف الإسلامي، فإنه يمكن اعتبار منظومته الفكرية مرتبطة بالذكاء المعنوي. لذا، فإن وظائف ومكونات هذا الذكاء في قصة "خليل الكافر" كانت موضوع هذه الدراسة المعتمدة على نهج نوعي وطريقة وصفية - تحليلية. تشير النتائج إلى أنه رغم أن جبران خليل جبران لم يشر مباشرة إلى الذكاء المعنوي في قصة "خليل الكافر"، إلا أن توجه أعماله نحو أبعاد الذكاء المعنوي، بما في ذلك البعد العقائدي والمعرفي، والبعد العاطفي والإحساسي، والبعد الإرادي، يميل بشدة؛ وبالتالي، تعزز هذه الفرضية التي تفيد بأن جبران استخدم بشكل غير إرادي في أعماله الرموز والأسس الخاصة بهذا الذكاء. من خلال دراسة قصة "خليل الكافر"، يمكننا أن ندرك أنه استخدم بشكل غير واع الذكاء المعنوي في سبيل نمو ورفق البشر الضعفاء في المجتمع وعلاقتهم مع الله والآخرين.
تاريخ الاستلام: ٢٥ يونيو ٢٠٢٤	
تاريخ المراجعة: ٩ مارس ٢٠٢٥	
تاريخ القبول: ٣ أبريل ٢٠٢٥	
تاريخ النشر: ١٠ يونيو ٢٠٢٥	
الكلمات الرئيسية:	الذكاء المعنوي، روبرت إيمونز، جبران خليل جبران، قصة "خليل الكافر".

الاقتباس: جهان بخت ليلي، اميد و پور محسن، نازنين. (١٤٠٤). «تحليل الذكاء المعنوي في قصة "خليل الكافر" لجبران خليل جبران على ضوء وجهة نظر روبرت إيمونز».

بحوث في الشعر العربي، ٢ (٢). صص: ٤٧-٣٤. <https://doi.org/10.22091/npa.2025.10927.1020>





واکاوی هوش معنوی در داستان «خلیل کافر» جبران خلیل جبران بر پایه دیدگاه رابرت ایمنز

امید جهان بخت لیلی^۱ ID و نازنین پور محسن^۲ ID

۱ نویسنده مسئول: دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه گیلان. گیلان، ایران. رایانامه:omid.jahanbakht@guilan.ac.ir

۲ کارشناس ارشد ادبیات عربی دانشگاه گیلان، گیلان، ایران. رایانامه: N.pourmohsen168@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۵ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۲/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۱۴ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۳/۲۰ کلیدواژه‌ها: هوش معنوی، رابرت ایمنز، جبران خلیل جبران، داستان «خلیل کافر».	هوش معنوی به مهارت‌ها، توانایی‌ها و رفتارهای لازم برای توسعه و حفظ ارتباط با منشأ غایی همه موجودات، کامیابی در جستجوی اهداف زندگی و یافتن مسیر اخلاقی درست که به رستگاری ما در زندگی کمک می‌کنند، اشاره دارد. این هوش که مبتنی بر ارزش‌ها، باورها و عملکردهای انسان است، این توانمندی را به او می‌دهد که در شرایط گوناگون، رشد و تعالی را در واقعیت‌های زندگی جستجو کند. رابرت ایمنز (Emmons Robert) (زاده ۱۹۵۸) استاد دانشگاه کالیفرنیا و پژوهشگر روانشناسی شخصیت، روانشناسی عاطفه و روانشناسی دین در زمره نخستین کسانی قرار دارد که به کشف هوش معنوی دست یافته است. از آنجا که جبران خلیل جبران، نویسنده لبنانی (۱۸۸۳-۱۹۳۱) در برخی از آثار خود از آموزه‌های قرآن کریم و تصوف اسلامی بهره گرفته است، می‌توان منظومه فکری او را در آثارش مرتبط با هوش معنوی دانست. لذا کارکردها و مؤلفه‌های این هوش در داستان «خلیل کافر»، موضوع این پژوهش مبتنی بر رویکرد کیفی و روش توصیفی-تحلیلی قرار گرفته است. یافته‌ها حاکی از آن است که گرچه جبران خلیل جبران در داستان «خلیل کافر» مستقیماً به هوش معنوی اشاره نکرده است؛ اما از آنجا که رویکرد آثارش به ابعاد هوش معنوی اعم از بُعد عقیدتی و شناختی، بُعد احساسی و عاطفی و بُعد ارادی بسیار متمایل است؛ بنابراین، این فرضیه را که جبران به طور غیر ارادی در آثارش از تصاویر و مبانی این هوش بهره برده است، قوت می‌بخشد. با مطالعه داستان «خلیل کافر»، می‌توان دریافت که وی به طور ناخودآگاه از هوش معنوی در جهت رشد و تعالی انسان‌های فرودست جامعه و ارتباطشان با خداوند و دیگران بهره گرفته است.

استناد: جهان بخت لیلی، امید و پورمحسن، نازنین. (۱۴۰۴). «واکاوی هوش معنوی در داستان «خلیل کافر» جبران خلیل جبران بر پایه دیدگاه رابرت ایمنز».

نشر پژوهی عربی، ۲ (۲). صص: ۴۷-۳۴. <https://doi.org/10.22091/npa.2025.10927.1020>



۵) مقدمه

درک انسان و تلاش برای سعادت او همواره توجه اندیشمندان مکاتب مختلف را به خود جلب کرده است و به همین دلیل در آموزه های ادیان الهی، انسان فقط در پیوند با مبدأ حقیقی به سعادت می‌رسد. در عصر کنونی، پرداختن به معنویات و موضوعات مربوط به دین در جهان با پیشرفت چشمگیری همراه بوده و اهتمام روان‌شناسان را به خود داشته است. «هوش معنوی با زندگی درونی ذهن و نفس و ارتباط آن با جهان رابطه دارد و ظرفیت فهم عمیق سؤالات وجودی و بینش نسبت به سطوح چندگانه هوشیاری را شامل می‌شود» (غباری بناب و دیگران، ۱۳۸۶: ۶) و از آنجا که به عنوان یک بخش درونی از وجود انسان به شمار می‌آید، می‌تواند ژرف‌ترین ظرفیت برای پرسش از معنای زندگی باشد. در این میان، انسان با توجه جایگاهی که از منبع خلقت خود دارد، با استفاده از این هوش، شروع به حل مشکلات می‌کند و با استفاده از هوش معنوی، رنگ و معنای تازه‌ای به فعالیت‌های خود می‌دهد و اعمال و کردار خویش را اعتبارسنجی می‌کند. افرادی که از هوش معنوی به نحو مطلوب برخوردارند، دارای ویژگی‌هایی هستند؛ برای مثال این افراد هنگام مواجهه با مصائب و سختی‌ها از قدرت ذهن و توان تصمیم‌گیری بالایی برخوردارند و از شکست‌ها و ناکامی‌هایی که در زندگی با آن روبرو می‌شوند، تجربه‌هایی را کسب می‌کنند. این افراد به هیچ قیمتی تن به یک رنگ شدن با جماعت ناهمگون نمی‌دهند و بر عقاید راستین خود، استقامت می‌ورزند.

«رابرت ایمونز، روانشناس آمریکایی و استاد دانشگاه دیویس است که مطالعات و تحقیقات او در زمینه روانشناسی شخصیت، روانشناسی عاطفی و روانشناسی دین است» (Emmons, ۲۰۰۰: ۱) وی تلاش کرد تا معنویت را بر اساس تعریف گاردنر از هوش در چارچوب هوش مطرح نماید و معتقد بود که در «هوش معنوی مجموعه‌ای از توانایی‌ها برای بهره‌گیری از منابع دینی و معنوی است» (ساغروانی، ۱۳۸۸: ۱۰۸).

۵-۱) بیان مسأله

در پژوهش حاضر، تلاش بر آن است تا با عنایت به قابلیت های روانشناختی آثار جبران خلیل جبران، داستان "خلیل کافر"، در چهارچوب مؤلفه‌های هوش معنوی بر اساس دیدگاه‌های ایمونز بررسی شود. گفتنی است گرچه جبران خلیل جبران به طور مستقیم به ابعاد هوش معنوی در آثارش اشاره نکرده؛ اما از آنجا که نویسنده داستان، مطالعات عرفانی داشته و آثار عرفایی همچون عمر خیام و غیره را مطالعه نموده، می‌توان این‌طور استنباط کرد که جبران خلیل جبران از مؤلفه‌های این هوش در جهت پیشبرد اهداف ادبی و آرمان‌های اجتماعی‌اش استفاده کرده است. لذا با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با طرح پرسش‌هایی به شرح زیر به واکاوی شناسه‌های این رویکرد روان‌شناختی در داستان خلیل کافر می‌پردازیم:

۱. مؤلفه‌های هوش معنوی در داستان «خلیل کافر» بر اساس دیدگاه ایمونز چیست؟

۲. اهداف نویسنده از کاربری شاخصه‌های هوش معنوی در این داستان چیست؟

۵-۲) پیشینه پژوهش

درباره هوش معنوی، تحقیقاتی انجام شده است؛ اما در رابطه با تأثیر و ارتباط هوش معنوی با ادبیات عربی و فارسی، پژوهش‌های چندانی صورت نگرفته است. در این بخش به برخی از این مقاله‌ها اشاره می‌شود:

- هدیه قاسمی فرد و ناصر زارع (۱۳۹۹ش) در مقاله «واکاوی مؤلفه‌های هوش معنوی در اشعار فاروق شویخ بر اساس دیدگاه رابرت ایمونز» به بررسی و مطابقت مؤلفه‌های هوش معنوی در اشعار فاروق شویخ

پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که هوش معنوی همان بهره‌گیری از اصول اخلاقی و معنوی خویشتن است.

- تهمینه مستعلی‌زاده، فاطمه شیخ‌لو وند، محمد فرهمند و عذرا غفاری (۱۳۹۹ش) در مقاله «تحلیل شاخص‌های هوش معنوی در مثنوی مولوی با تأکید بر نظریه رابرت ایمونز» ضمن تبیین مؤلفه‌ها و سازوکارهای هوش معنوی به مؤلفه‌های بارز آن از جمله همدلی، نوع‌دوستی، عشق، ایثار، مدارا و تساهل و تسامع اشاره کرده‌اند.
- ملک محمد فرخزاد (۱۳۹۸ش) در مقاله «واکاوی مؤلفه‌های هوش معنوی در ادب عرفانی با تکیه بر مثنوی مولانا» با بررسی ارتباط بین روانشناسی و عرفان به مؤلفه‌های پنجگانه هوش معنوی بر اساس اندیشه ایمونز پرداخته‌اند.
- شایسته حسینی شاهرودی (۱۳۹۶ش) در مقاله با عنوان «هوش معنوی مؤلفه‌ها و مبانی آن در حکمت متعالیه» به این نتیجه رسیده‌اند که گرچه هوش معنوی در حکمت متعالیه به کار نرفته است؛ اما می‌توان ویژگی‌ها و مؤلفه‌های این هوش را در آثار ملاصدرا جستجو کرد. در مورد جبران خلیل جبران و آثارش پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته از جمله پژوهش‌ها که پیرامون داستان خلیل کافر که موضوع مورد بحث ما می‌باشد، می‌توان به مقاله زیر اشاره کرد:
- امید جهان بخت لیلی و سمیه پرماس (۱۳۹۸ش) در مقاله «خوانشی آدلری از داستان خلیل کافر اثر جبران خلیل جبران» به واکاوی روان خلیل در داستان خلیل کافر پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که نویسنده داستان به نقش اثرگذار اصول آدلری به ویژه اصل بنیادین «احساس حقارت» در شکل‌گیری و اعتلای شخصیت هر فرد معتقد است و به همین دلیل کوشیده تا با پردازش روانی شخصیت جهادی «خلیل»، مردم ناآگاه لبنان را در فضای دل‌مُرده و خفقان‌زده جامعه کلیسایی به حرکت و پویایی وادارد.

۶) خلاصه داستان «خلیل کافر»

داستان «خلیل کافر» به سعی و تلاش انسان در مسیرهای مختلف زندگی و مبارزه وی در برابر ظلم و ستم و برقراری عدالت در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی اشاره می‌کند. خلیل به عنوان شخصیت اصلی داستان در طول زندگی دچار ناملایمت‌های فراوانی شد که در سبک زندگی‌اش تأثیر بسزایی گذاشت. والدینش را در سن کودکی از دست داد و نبود حامی و سرپرست در محیط کلیسا مانند فاجعه دردناکی بود که روحش را تخریب می‌کرد و برای ادامه زندگی دچار سختی و غم و اندوه می‌شد. اما او بعد از اینکه به رشد فکری و آگاهی نسبی پیرامون طبقات جامعه رسید، در مقابل ظلم و ستم و بی‌عدالتی سکوت نکرد و برای بازپس‌گیری حق و حقوق هم‌کیشان‌ش دست به انقلاب زد. انقلاب خلیل حاکی از روحیه شجاعت و شهامت او است. تلاش او در جهت رشد و شکوفایی هموطنان و برخورداری از ویژگی‌های ممتاز اخلاقی همچون بخشش، تواضع، عشق ایثارگونه، از وی شخصیتی برجسته به نمایش گذاشته است. مجاهدت‌های خلیل و ایستادگی در برابر ظلم و ستم و ناعدالتی باعث شد که از کلیسا رانده شود و لقب «کافر» را بگیرد. در ادامه داستان، شیخ عباس که حاکم دولتی جامعه بود، نسبت به خلیل و اقداماتش احساس خطر می‌کند و او را به بارگاه خود احضار می‌کند و اجازه نمی‌دهد که حق و حقیقت را برای مردم بازگو کند. اما روحیه مبارز خلیل به او این جسارت را می‌هد تا خطابه‌ای روشنگرانه

پیرامون مسائل جامعه ایراد کند و مردم نظاره گر را با خود همونوا سازد. این همراهی به قدری ادامه می یابد که مردم از خلیل تقاضا می کنند تا از حاکم بخواهد که نماینده روستایشان شود و با عدالت خویش در میان مردم داوری کند. خلیل این پیشنهاد را نمی پذیرد و ضمن اظهار محبت خود به مردم، اعلام می کند که صرفاً مشتاق است همراه و همگام با مردم در زمین های کشاورزی کار کند و از رویارویی و همکاری با انسان های ستمگر گریزان است. سخنان حق و پرمحتوای خلیل مردم را نسبت به وضعیت مردم، جامعه، راهبان و حاکمان آگاه کرد و برای آنها مسیر روشنی را جهت رسیدن به حق و فضیلت های انسانی ترسیم نمود.

۷) هوش معنوی

«هوش معنوی، نوعی هوش غایی است که مسائل معنایی و ارزشی را به ما نشان داده و چالش های مرتبط با آن را برای ما حل می کند؛ هوشی است که اعمال و رفتار ما را در گستره های وسیع از نظر بافت معنایی جای می دهد و همچنین معنادار بودن یک مرحله از زندگی مان را نسبت به مرحله دیگر مورد بررسی قرار می دهد» (زهر و مارشال، ۱۳۹۶ ش: ۱). هوش معنوی را می توان به عنوان کارخانه انسان سازی در نظر گرفت که اگر انسان در خدمت این کارخانه باشد، به تمامی ابعاد معنوی که شایسته یک انسان است می رسد، به ویژگی هایی دست می یابد که نشان دهنده خلقت اوست. اولین ویژگی می تواند در جهت تلاش برای متعالی ساختن باشد که انسان را به سوی اهدافش سوق می دهد و باعث می شود که وی از تلاش باز نایستد. اما در رابطه با ویژگی هایی که لازمه هوش معنوی هستند و در کنار سایر فعالیت های انسانی قرار دارند؛ می توان «به دعا کردن، تعمق رؤیاها و تحلیل رؤیاها، باورها و ارزش های دینی و معنوی اشاره کرد.» (ساغروانی، ۱۳۸۸ ش: ۱۳۴).

«پیشرفت علم روانشناسی از یک سو و ماهیت پویا و پیچیده جوامع نوین از سوی دیگر باعث شده تا نیازهای معنوی بشر در برابر خواسته ها و نیازها قد علم کند و اهمیت بیشتری بیابد» (زارع، ۱۳۹۶ ش: ۳). «هوش معنوی مخصوص انسان است و برای نخستین بار در ادبیات آکادمیک روان شناسی در سال ۱۹۹۶ توسط استنلی استیونز (Stanley Stevens) (۱۹۰۶ - ۱۹۷۲) روانشناس مطرح آمریکایی رواج یافت» (شعبانی، ۱۳۹۷ ش: ۱۰). این هوش «در توانایی ها و شایستگی هایی که ممکن است بخشی از دانش تخصصی فرد باشد، وجود دارد. اطلاعات معنوی، بخشی از پایگاه دانش فرد است که می تواند منجر به رفتار سازگار با مسأله شود» (Emmons, ۲۰۰۰: ۹). از جایی که «هوش معنوی، راهی اساسی برای شناخت است» (عبدالهادی حسن، ۲۰۰۷: ۲۶) به همین دلیل رسیدن به اهداف غایی را ممکن تر می سازد؛ چرا که «هوش معنوی در ظرفیت انسان نهادینه شده است، برای جستجو و طرح سؤالات غایی در باره معانی زندگی و به طور هم زمان تجربه پیوند یکپارچه بین هر یک از ما و جهانی است که در آن زندگی می کنیم» (زارعی متین و دیگران، ۱۳۹۰ ش: ۷۴).

۸) باز نمود شناسه های هوش معنوی در داستان «خلیل کافر»

رابرت ایمونز روانشناس آمریکایی که «اکثر تحقیقاتش مربوط به نقش مذهب در زندگی است، در سال ۲۰۰۰ مقاله ای نوشت و معنویت را یکی از اشکال هوش معرفی کرد» (قاسمی فرد و زارع، ۱۴۰۰ ش: ۸۷). ایمونز در مقاله اش پنج مؤلفه برای معنویت یاد کرد و آنها را به عنوان هوش در نظر گرفت که عبارتند از: ۱. ظرفیت متعالی سازی، ۲. توانایی ورود به حالت های متعالی هوشیاری معنوی ۳. توانایی آراستن فعالیت ها و روابط روزمره با حسی مقدس ۴. توانایی بهره گیری

معنوی برای حل مشکلات در زندگی ۵. ظرفیت مشارکت در رفتار با فضیلت (نشان دادن بخشش، ابراز قدردانی، تواضع، نمایش شفقت و عشق ایثار گونه) (Emmons, ۲۰۰۰: ۶).

۸-۱) ظرفیت متعالی سازی

انسان با توجه به خوی و ذاتش در پی نیل به اهداف و پرورش استعدادهایش است؛ استعدادهایی که او را به سعادت و رستگاری برساند و هر لحظه شاهد رشد در زندگی باشد. مقصود از حالت‌های متعالی هوشیاری از نظر ایمونز «تعالی و عرفان است که دو عنصر اصلی هوش معنوی هستند که با ظرفیت فرد به منظور درگیر شدن با حالت‌های آگاهانه سر و کار دارند. متعالی شدن به معنای بالا رفتن یا فراتر از حد معمول رفتن از جسم است. درواقع به فراتر رفتن از وضعیت جسمی ما اطلاق می‌شود که منجر به ارتقای آگاهی از خود می‌شود» (Emmons, ۲۰۰۰: ۶).

این ظرفیت در داستان خلیل کافر جلوه‌های زیبایی را خلق کرده است. در این داستان هنگامی که خلیل از بند و اسارت صومعه فرار می‌کند و به دنبال رشد و تعالی خود می‌رود، در پاسخ به سؤال راحیل (زنی که او را در خانه‌اش سکنی داد) گفت: «واجبُ الإنسان أن يكون سعيداً على الأرض وأن يعلم سبل السعادة ويكرز باسمها أينما كان» (خلیل جبران، ۱۹۹۴: ۱۷۶)؛ [وظیفه انسان فراهم کردن خوشبختی در زمین و شناخت راه‌های سعادت و موعظه است. هر کجا که باشد].

گرچه زندگی در این جهان دارای مشکلاتی است که گاه انسان را در مسیر رسیدن به اهدافش متوقف می‌کند؛ اما خلیل معتقد است که وظیفه اصلی هر انسانی فراهم کردن زندگی خوب و سعادت‌مند است؛ فرقی نمی‌کند که انسان پیر باشد یا جوان، غنی باشد یا فقیر. در هر صورت رسالتش رسیدن به رستگاری است و نباید مسائل شهوانی و مادی مانع رسیدن او به سعادت شود. لازم به ذکر است که در این مسیر باید از تمنیات دنیایی گذر کرد؛ چرا که «رها شدن از مادیات بعد از ذوق و نوشیدن حاصل می‌شود که آن عدم وجود نشانه‌های مادی (شهوانی) است» (القشیری، ۱۹۸۹: ۱۵۳). در ادامه خلیل می‌گوید: «لِمَاذَا تَبَعِدَنَ عَنِ الْبَشَرِ وَ قَدْ خَلَقَكُمُ اللَّهُ بَشَرًا؟» (جبران، ۱۹۹۴: ۱۷۶)؛ [چرا از مردم دوری می‌کنید در حالی که خداوند شما را به هیأت انسان آفریده است؟]

از آن جا که «هوش معنوی به انسان این امکان را می‌دهد که به طور خلاقانه قواعد و قوانین و شرایط را تغییر دهد» (زهر و مارشال، ۱۳۹۶: ۱۷). به همین علت خلیل در راستای تعالی و شکوفایی هموطنان خود، اربابان کلیسا را مورد نکوهش قرار می‌دهد و مطامع و خواسته‌های فریبکارانه آنها را تقبیح می‌کند و از اینکه نیتی خیرخواهانه از سوی آنان در مورد عامه مردم احساس نمی‌شود، ابراز خطر می‌کند و معتقد است که کشیشان فقط تظاهر به همراهی با مردم می‌کنند در حالی که در عمل این گونه نیستند. با عنایت به اهداف و جهان‌بینی خلیل، می‌توان اذعان کرد که «هرگاه انسان دارای هوش معنوی شود، توانایی‌اش بر فهم تصویر کلی با تصویر کاملی از خویشتن و هستی و جایگاه و هدفش در این جهان گسترده‌تر می‌شود» (الفقی، ۲۰۱۱: ۳). لذا خلیل با درک جایگاه انسان، پرتوی از ذات الهی را در خود می‌بیند و این ویژگی‌ها را در افراد صومعه، مشاهده نمی‌کند؛ چرا که آنها درک کاملی از انسان خودساخته ندارند. اما خلیل از رهگذر هوش معنوی، این امکان را می‌یابد که به ماورای مسائل دست پیدا کند و ابعاد عمیق‌تر و استعدادهای نهفته درون خودش را شناسایی کند.

۸-۲) توانایی دستیابی به حالت های متعالی هوشیاری معنوی

از آنجا که «ذهن شهودی، هدیه مقدسی است» (الکساندر، ۱۳۹۵: ۷۵)، افراد با «هوش معنوی احتمالاً در ورود به حالت های آگاهی و سایر حالت های معنوی چون نماز، مهارت خاصی در تعمق پیدا می کنند» (Emmons, ۲۰۰۰: ۱۱). حقیقتی که پیرامون آثار جبران به چشم می خورد این است که آثارش از معنویات بهره بسزایی برده است و نور خداوند در آثارش به وضوح دیده می شود. خلیل در بخشی از داستان می گوید: «كَلَّمْنَا نَحْيَا أَمَامَ وَجْهِ الشَّمْسِ مِثْلَ جَمِيعِ النَّاسِ، لِأَنَّ اللَّهَ يُعْطِينَا خُبْرَنَا كِفَافَ يَوْمِنَا» (جبران، ۱۹۹۴: ۱۸۱)؛ [چشم امید به سوی نور آفتاب دوخته ایم؛ چون اطمینان داریم خداوند روزی دهنده است و از دادن لقمه نان به بندگان فقیر و درمانده خود دریغ نمی ورزد].

راحیل در خطاب به خلیل، عبارت هایی را بیان می کند تا مانع رفتن خلیل شود؛ چون با ورود خلیل به خانه راحیل، گویا روح مقدسی در خانه و روح و روان آنان شکل گرفته است. اما خلیل خود را برای هر اتفاقی آماده کرده بود و از مرگ و ا همه ای نداشت؛ چنانکه در پاسخ به مأموران شیخ عباس اظهار می دارد: «ها أنذا فُشِدَّوْا سَاعِدِي وَافْعَلُوا بِي مَا شِئْتُمْ» (جبران، ۱۹۹۴: ۱۸۸)؛ [دستم را محکم ببندید و هر آنچه دوست دارید با من بکنید].

از جمله مسائلی که هوش معنوی در تلاش است تا آن را حل کند، ترس از مرگ است. این که انسان می تواند با مسأله مرگ کنار بیاید، ریشه در ضعف پایه های هوش معنوی دارد. «ترس و وحشت از مرگ در واقع از فقدان چشم اندازی ناشی می شود که بتواند مسأله مرگ را در چارچوبی وسیع قرار دهد» (زهر و مارشال، ۱۳۹۶: ۲۹۸). در داستان خلیل کافر از مرگ به عنوان رهایی از قید و بند اسارت یاد می شود. گویا جبران خلیل جبران در پردازش شخصیت داستانی خلیل «به هوشش این فرصت را داده تا در هر تصمیم و انتخاب، جهت گیری کلی داشته باشد» (الکساندر، ۱۳۹۵: ۲۸). در بخشی از داستان، ویژگی متعالی ساختن بدین شکل تبلور دارد: «كَانَ خَلِيلٌ يَتَكَلَّمُ وَفِي صَوْتِهِ الْجَهْوَرِيُّ نَعْمَةٌ سَحَرِيَّةٌ تَضْطَرِبُ لَهَا قُلُوبُ الرِّجَالِ النَّازِلِينَ إِلَيْهِ بِأَعْيَابٍ يَشَابُهُ اسْتِغْرَابُ الْأَعْمَى إِذَا مَا أَبْصَرَ. فَجَاءَتْ وَتَهْتَرُ لِحْلَاوَتِهَا نَفُوسُ النِّسَاءِ الْمَحْدَقَاتِ إِلَيْهِ بِأَعْيُنٍ طَامِحَةٍ بِالدَّمْعِ» (جبران، ۱۹۹۴: ۱۹۸)؛ [خلیل صحبت می کرد و در صدای قوی او لطفی جادویی قرار داشت که دل مردانی که با تحسین به او نگاه می کردند را، مانند شگفتی یک نابینا هنگامی که ناگهان ببیند، به هیجان می آورد و روح زنانی که با چشمانی مملو از اشک به او خیره شده بودند، از شیرینی آن می لرزید].

تأثیر سخنان خلیل بر جو حاکم در بین مردم، نشان دهنده ظرفیت متعالی انسان است؛ اینکه انسان در خویشتن ظرفیت اثربخشی را با تهذیب مهیا کند تا کلامش بر اکثریت جامعه اثرگذار افتد؛ چنان که در گزاره ای دیگر، تحوّل و اثرپذیری یکی از نوکران شیخ عباس بعد از رسیدن به آگاهی و بینش درست از زندگی متعالی در پی سخنان خلیل کافر اینطور تبلور یافته است: «قَدْ خَدَمْنَا الشَّيْخَ عَبَّاسَ لِقَاءَ الْخُبْزِ وَالْمَأْوَى ... لَا أُرِيدُ أَنْ أُنْعَمَ جَسَدِي بِهَذِهِ الْمَلَابِسِ الْحَقِيرَةِ كَمَا تَبْقَى نَفْسِي - مُتَعَذِّبَةً فِي مَنْزِلِ سَقَاكَ الدَّمَاءِ» (جبران، ۱۹۹۴: ۲۰۱)؛ [ما در ازای دریافت لقمه ای نان و تأمین مسکن، عمری در خدمت شیخ عباس بودیم ... نمی خواهم پیکر خود را با این لباس های پست و حقیر به خفت و خواری عادت دهم. روحم از کارکردن در کاخ یک مرد آدمکش و خونخوار خسته است].

این اظهارات حکایت از میزان بالای اثرگذاری کلام خلیل در روح و اندیشه مردم بی نوا و فرودست جامعه دارد تا حدی که نوکر شیخ عباس در مقابل او لب به اعتراف از ستم ها و مصائبی می گشاید که توسط حاکم سلطه گر بر آنها وارد شده است.

۸-۳) توانایی آراستن فعالیت‌ها، رویدادها و روابط روزمره با حسی از امر مقدس

از دیدگاه ایمونز «تقدیس، دلالت بر متمایز کردن یک عمل بر اساس یک هدف خاص - یک هدف مقدس یا قدسی - به رسمیت شناختن حضور الهی در فعالیت‌های عادی، جنبه‌ای از شناخت معنوی در همه مذاهب است. برخی فعالیت‌های عادی مانند دویدن هم می‌تواند با اهمیت معنوی روبرو شود» (Emmons, ۲۰۰۰: ۱۱).

خلیل با تأمل و تفکر در فعالیت‌های روزمره و محیط پیرامون خود، حضور خداوند را همراه با حسی از تقدس بیش از پیش احساس کرده و چنین می‌گوید: «فَبَعَثْنَا إِلَىٰ لُكِي تَسْتَرْجِعَانِي مِنْ أَعْمَاقِ الْهَادِيَةِ وَالْعَدَمِ» (جبران، ۱۹۹۴: ۱۸۰)؛ [شما را به سان فرشتگان آسمانی برای نجات جان من از مرگ و نیستی به سراغم فرستاد].

در این گزاره، خلیل به حضور خداوند در لحظات زندگی اشاره می‌کند که حتی در سخت‌ترین شرایط که در برف و سرما محبوس شده بود و هر کس می‌توانست پنجره‌های کفرگویی را به سوی خودش باز کند؛ اما خلیل به یاری دست غیب الهی اعتقاد داشت و رهایی از شرایط دشوار را در وهله اول مدیون خدا می‌دانست و در این راستا راحیل و مریم را نیز فرستادگان خداوند برای کمک به خویش قلمداد کرد و خویشتن را به اجرای تصمیم خیرخواهانه مصمم نمود: «سَوْفَ أَتَّبِعُ الطَّرِيقَ إِلَىٰ حَيْثُ لَا أَعْلَمُ» (جبران، ۱۹۹۴: ۱۸۳)؛ [راهم را به سوی سرزمینی که نمی‌دانم نهایت آن کجاست، در پیش می‌گیرم و می‌روم].

با اینکه گرفتن حق و برقراری عدالت توسط خلیل، امری خطرناک محسوب می‌شد و ممکن بود جان‌ش را در این مسیر از دست بدهد؛ اما چون حضور نور مقدس پروردگار را در زندگی احساس و استشمام می‌کند، در پاسخ به راحیل چنین می‌گوید: «می‌روم به راهی که مقصودش را نمی‌دانم». از این بیان می‌توان دریافت که او خود را برای هر پیشامدی آماده کرده است و توکلش به خداست و در راه رسیدن به مقصود، فقط حق و عدالت را جستجو می‌کند. به عبارت دیگر سومین مؤلفه‌ی هوش معنوی به امور روزانه و محیط پیرامون تقدس می‌بخشد و این مفهوم را می‌رساند که همه اموری که یک فرد در طول زندگی انجام می‌دهد، افزون بر اینکه به هدف اختصاصی تعلق دارد، به یک هدف کلی و مقدس نیز متعلق می‌باشد؛ برای مثال هنگامی که کاری را با نام و یاد خدا آغاز می‌کنیم، بهتر می‌توانیم به اموراتمان رسیدگی کنیم؛ زیرا کارمان را با نام هدف مقدس آغاز می‌کنیم و با عملی که به صورت غیر مقدس صورت می‌پذیرد، از نظر کیفیت تفاوت دارد. با توجه به شاهد فوق، این مهم به نظر می‌رسد که خلیل برای انجام اموراتش نور مقدس و یاد خدا را در زندگی خویش نهادینه کرده است و در مراحل مختلف زندگی حتی ناهمواری‌ها و مصائب نیز نام و یاد خدا برایش کمرنگ نشد. وی درباره معنای زندگی چنین می‌گوید: «الحقيقة هي تلك العاطفة الخفية التي نعلمنا أن نفرح بأيامنا نتمنى ذلك نفسهُ لجميع الناس» (جبران، ۱۹۹۴: ۱۷۴)؛ [حقیقت همان محبت پنهانی است که به ما می‌آموزد تا از زندگی‌مان خرسند و راضی باشیم و از ما می‌خواهد که آن شادی را برای همه مردم بجویم].

دوران کودکی خلیل در شرایط سختی سپری شد و این شرایط باعث شد تا نسبت به اربابان ستمگر کلیسا بدبین باشد و در مسیر تلاش برای برقراری عدالت در جامعه بکوشد تا از آنان انتقام بگیرد؛ لذا در تلاش برای بازسازی مؤلفه‌های عدل اجتماعی گام برداشت و با استفاده از نیروی معنویت و علاقه اجتماعی توانست مردم را به مبارزه با شقی‌ترین افراد سوق دهد و در مورد دیگران، یک ساختار نظامند و قاعده محور تشکیل دهد.

۸-۴) توانایی بهره‌گیری از منابع معنوی برای گشودن مسائل زندگی

باورها و اعتقادات معنوی به انسان این امکان را می‌دهد تا از راهبردهای جدید برای حل مشکلات بهره گیرد. این فرایند گره‌گشایی «بازنگری و بازتعریف را تسهیل می‌کند؛ زیرا توانایی تجدیدنظر از شاخصه‌های هوش است؛ افزون بر این، افراد دینداری که با فشارهای روانی روبرو هستند، بهتر با چالش‌ها سازش پیدا می‌کنند و امکان همسو شدن با معنویت را بهتر درک می‌کنند» (Emmons, ۲۰۰۰: ۱۱). خلیل در مسیر ابراز دلاوری و شهادت چنین می‌گوید: «هل تعتقدون بأنّ أبابکم الذی أحبکم وعلّمکم سُبُل الحقّ بواسطة أنبيائه يريد أن تكونوا مظلومين ومردولين؟» (جبران، ۱۹۹۴: ۱۹۷)؛ [آیا فکر می‌کنید پدرتان [خداوندگار] که دوستدار شما بوده و به وسیله پیامبران خود، راه‌های حق را به شما آموخته، می‌خواهد که ستم‌دیده و فرومایه باشید؟]

بی‌تردید نویسنده داستان از شرایط خفقان‌زده جامعه رنج می‌برده که این شکایت‌ها را در قالب داستان خلیل به رشته توصیف درآورده است. خلیل به دلیل سکوت و ذلت‌پذیری طبقهٔ فرو دست جامعه از آنان شکوه می‌کند و برای احقاق حقوق پایمال‌شده‌شان، آنها را آشکارا به استیفای حق دعوت می‌کند و به الهام‌گیری از آموزه‌ها و ارزش‌های الهی فرا می‌خواند؛ چون در واقع معتقد است که «فقدان ایمان به خدا، زندگی را از مفاهیم عالی و ارزش‌های شریف انسانی تهی می‌کند و باعث می‌شود که انسان، احساس رسالت بزرگ خود را در زندگی از دست بدهد و بینش روشنی درباره اهداف متعالی زندگی خود نداشته باشند» (حسینی اجداد نیاکی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۱۴). در همین راستا، یاری جستن از سرچشمه لایزال الهی که منبع تمام هستی است، بر صدای اعتراض و تاب‌آوری خلیل در مقابل ظلم حاکمان می‌افزاید: «هل تعتقدون أن الله الذی ينزل السحاب مطرا، ويستنبئ البذور زرعاً، وينمي الزهور أثماراً، يريد أن تكونوا جوعاً محتقرين؛ لكي يبقی واحد بینکم متلفحاً متلذذاً؟» (جبران، ۱۹۹۴: ۱۹۷)؛ [آیا گمان می‌کنید خداوندی که ابرها را به صورت باران فرو می‌فرستد و دانه‌ها را به صورت محصول می‌رویانند و گل‌ها را به میوه تبدیل می‌کند، می‌خواهد که شما گرسنه و خوار باشید تا یکی از شما فربه و برخوردار بماند؟]

دین می‌تواند در کاهش تأثیرهای منفی استرس‌های زندگی در افراد مؤثر باشد و در حل مشکلات و مسائل در شرایط سخت، انسان را یاری کند. خلیل در گزاره‌های پیشین به مردم این ایده پرمعنا را می‌رساند که اگر دست روی دست بگذارید و دست به کار نشوید، عاقبت خوشایندی در انتظارتان نخواهد بود و همین سکوت، باعث ایجاد چالش و استرس‌هایی در درون هر کدام از آنان خواهد شد. وی در مسیر نهی از بندگی و بردگی مردم چنین فریاد برمی‌آورد: «لماذا تخالفون مشيئة الله الذی بعثکم أحراراً إلى هذا العالم و تصيرون عبداً للمتمردين علی ناموسه؟» (جبران، ۱۹۹۴: ۱۹۷)؛ [چرا سرپیچی می‌کنید از اراده خداوندی که شما را آزاد به این دنیا فرستاده و برده کسانی می‌شوید که بر ضد شریعت او سرکشی می‌کنند؟]

در پردازش و تحلیل این گزاره از داستان خلیل، می‌توان به یکی از کارکردهای هوش معنوی گریز زد که مبتنی است بر اینکه «هوش معنوی، ذهن را روشن و روان انسان را با بستر زیربنایی وجود مرتبط می‌سازد. به فرد کمک می‌کند تا واقعیت را از خیال (خطای حسی) تشخیص دهد. این مفهوم در فرهنگ‌های مختلف به عنوان خردمندی و خدمت مطرح است» (وگان: ۲۰۰۳، به نقل از غباری بناب و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۳۳). با این بیان، می‌توان اذعان کرد که آگاهی هوشیارانه و سازگاری با وقایع و تجارب زندگی و پرورش خودآگاهی از جمله عوامل اصلی رشد هوش معنوی تلقی

می‌شود. افزون بر این، بعضی از روش‌ها و راهبردها و تمرین‌ها نیز برای رشد آن مفید است. در این راستا برخی معتقدند که «هوش معنوی از طریق افزایش وسعت نظر و گشودگی و داشتن نقطه نظرهای مختلف، حساسیت زیاد نسبت به تجارب و واقعیت‌هایی نظیر حالت تعالی (ماورایی) و موضوع‌های معنوی فهم عمیق‌تر نمادها و بازنمایی افسانه‌ها و کهن الگوهای ناهشیار کشف نشده را در پی دارد» (Nasel, 2004:62)؛ بر این مبنا خلیل از مردم نگون‌بخت جامعه می‌خواهد که برده و آلت‌دست افراد فرومایه کلیسا نشوند و در پی یافتن هویت راستین انسانی خویش بکوشند؛ چرا که با از دست‌دادن هویت، انسان از واقعیت‌ها فاصله می‌گیرد و توان تحلیل و سنجش ارزش خود را از دست می‌دهد و چه بسا به دنبال فقدان خودشناسی و اعتماد به نفس، مطیع دیگران گردد.

۸-۵) ظرفیت عمل اخلاقی (بخشش، سپاس، تواضع، اظهار شفقت و عشق و ایثار)

آخرین مؤلفه هوش معنوی بر اساس دیدگاه ایمونز، بالا بردن ظرفیت عمل اخلاقی است. «این مفاهیم تقریباً در تمام سنین مذهبی و از روزگار ارسطو تا کنون تکرار شده است. این خصایص با تمرین و آموزش پدید می‌آیند و منابع قدرت انسانی هستند که به مردم این امکان را می‌دهند تا در جهان به طور موثر عمل کنند» (Emmons, 2000: 13). رابرت ایمونز برای ثروتمند شدن، یک راه مدنظر دارد و آن سپاسگزاری است و می‌گوید «بگذارید اولین چیز را برای ثروتمند شدن به شما بگویم، سپاسگزار باش. این تنها طرح کاملاً قابل اعتماد و سریع برای رسیدن به ثروت است. قدردانی، خوشحال‌کننده است. احساس خوبی القا می‌کند و انگیزه دهنده است. وقتی احساس سپاسگزاری می‌کنید، این حس به ما منتقل می‌شود تا خوبی‌هایی را که با دیگران کسب کرده‌ایم به اشتراک بگذاریم. شناخت قدردانی و قدردانی از طریق فکر کردن در مورد آن، درک این دو مرحله از نظر من بسیار مفید است» (Emmons, 2007: 1-5). در این راستا، خلیل در برابر تقاضای مردم از وی مبنی بر اینکه نماینده مردم روستا شود، چنین می‌گوید: «وَلَا تَطْلُبُوا أَنْ أَكُونَ مُمَثِّلًا لِلْحَاكِمِ فِي هَذِهِ الْقَرْيَةِ، لِأَنَّ الْخَادِمَ الْأَمِينُ لَا يَرِيدُ أَنْ يَكُونَ عَوْنًا لِلسَّيِّدِ الشَّرِيرِ» (جبران، ۱۹۹۴: ۲۰۲)؛ [از من نخواهید که نماینده فرمانروا در این روستا باشم؛ چون یک نماینده صادق و امانتدار، هرگز یار و یاور فرمانروای ظالم و شرور نمی‌شود.]

از این گفته پیداست که خلیل با روحیه تواضع و عشق و ایثار از جایگاه بالایی که می‌توانست در دست بگیرد، چشم می‌پوشد و حاضر نمی‌شود که در رکاب انسان‌های شرور فرمانروایی کند. می‌توان اذعان کرد که این روحیه برگرفته از نور مقدس است که در هر جای زندگی، نور مقدس را می‌بیند و باعث می‌شود که در راستای تعالیم الهی قدم برمی‌دارد: «إِنْ كُنْتُ خَلِيقًا بِحَبِّكُمْ وَانْعَاطَافِكُمْ فَدَعُونِي أَعِيشَ بَيْنَكُمْ وَأُشَارِكُمْ بِأَفْرَاحِ الْحَيَاةِ وَأَحْزَانِهَا، وَأُشَاطِرْكُمْ الْعَمَلَ فِي الْحَقُولِ وَالرَّاحَةِ فِي الْمَنَازِلِ» (جبران، ۱۹۹۴: ۲۰۲)؛ [اگر چنانچه مورد لطف و محبت شما قرار گرفته‌ام، بگذارید در کنار شما در این روستا زندگی کنم تا در غم و شادی شما شریک باشم روزها در کشتزارها با همدیگر کار کرده و شب‌ها در خانه‌های خود استراحت کنیم.]

خلیل با سپاس از مردم شریف روستا، متواضعانه از آن‌ها تقاضا می‌کند تا در کنار آنها زندگی کند؛ چرا که معتقد است زندگی اخلاق‌مدارانه بسی برتر از احساس قدرت در کنار افراد سلطه‌گر کلیسا است. در این باره می‌توان گفت «از آنجایی که در تمام فضایل اخلاقی، کششی شدید نسبت به یکدیگر وجود دارد و هر انسانی، وجود یک فضیلت انسانی را در خود محقق سازد، بی‌شک آن فضیلت اخلاقی و انسانی، فرد را به برخورداری از سایر فضایل اخلاقی و انسانی ملزم

می‌کند» (دزفولی و صیادانی، ۱۳۹۱ش: ۱۷۴). لذا خلیل با برخورداری از ویژگی‌های اخلاقی از قبیل ایثار و علاقه و عشق به مردم مورد مهر و محبت افراد جامعه قرار می‌گیرد و در مسیر تعالی آنان می‌کوشد.

۹ نتیجه

هوش معنوی به عنوان یکی از اشکال هوش، به توانایی فرد در درک و بررسی مسائل عمیق زندگی، معنای وجود و ارتباط با جهان اطراف مرتبط است. این نوع هوش به فرد کمک می‌کند تا به خودسازی درونی بپردازد و به جنبه‌های معنوی زندگی خود توجه بیشتری داشته باشد. با نهادینه شدن این نوع هوش، فرد می‌تواند به راحتی با چالش‌های زندگی مواجه شده و از تجربیات ناخوشایند به عنوان فرصت‌هایی برای رشد و یادگیری استفاده کند. بنابراین، هوش معنوی نه تنها به توسعه فردی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به بهبود روابط اجتماعی و همزیستی مسالمت‌آمیز با دیگران نیز منجر شود. بررسی داستان «خلیل کافر» اثر جبران خلیل جبران نشان داد که مؤلفه‌های هوش معنوی در این داستان به چشم می‌خورد و نویسنده کوشیده تا با استفاده از ظرفیت‌های این رویکرد روانشناختی بر تأثیرگذاری کلامش بیفزاید. مؤلفه اول هوش معنوی یعنی ظرفیت متعالی‌سازی، نشان‌دهنده نیل به سمت اهداف و پرورش استعداد هاست که خلیل می‌کوشد تا با همگام کردن مردم با اهداف خیرخواهانه خویش در راه زدودن فاصله طبقاتی بین دو جامعه فرادست و فرودست گام بردارد. بر این مبنا آنگاه که خلیل از بند و اسارت صومعه می‌گریزد و به دنبال رشد و تعالی خویش است، وظیفه اصلی خود را ابلاغ رسالت الهی برای فراهم نمودن زندگی سعادت‌مند می‌داند و در راه رسیدن به این هدف در صدد آگاهی‌بخشی به طبقات زیرین جامعه گام برمی‌دارد و سعی می‌کند تا حسی از نور مقدس الهی را به هموطنان القا کند و روابط روزمره را با نور مقدس الهی مزین نماید. در این مسیر، پدیده مرگ به عنوان رستن از قید و بند اسارت دانسته می‌شود و خلیل، مرگ آزادی‌بخش را امری لذت‌بخش تلقی می‌کند. بر این اساس، با اینکه گرفتن حق و برقراری عدالت توسط خلیل، یک امر خطرناک محسوب می‌شد و ممکن بود جان‌ش را در این مسیر از دست بدهد؛ اما چون نور مقدس خداوند را در زندگی حس می‌کرد، خود را برای رویارویی با ستم‌پیشگان آماده نمود. در این داستان هویدا گردید که توانایی بهره‌گیری از منابع معنوی برای گشودن مسائل زندگی این مهم را می‌رساند که باورها و اعتقادات معنوی به انسان این امکان را می‌دهد تا از راهبردهای جدید برای حل مشکلات بهره‌گیرد؛ لذا خلیل نسبت به مردم ابراز گلایه می‌کند به این دلیل که در برابر ظلم و ستم سکوت کردند و به دنبال راهی برای رهایی از وضعیت موجود نیستند. گسترش صفات اخلاقی پسندیده از دیگر مؤلفه‌های هوش معنوی است که نویسنده داستان در پردازش این بُعد از شخصیت خلیل، آن را در کالبد ویژگی‌هایی مانند بخشش، سپاسگزاری، خشوع و عشق ایثارگونه به تصویر کشیده و در رفتارهای خلیل نشان داده است؛ بدین سان آنگاه که بعد از خطابه خلیل، مردم تحت تأثیر صحبت‌هایش قرار می‌گیرند، از خلیل می‌خواهند که نماینده و کدخدای روستا شود؛ لیکن خلیل از روی تواضع و روحیه بخشش و ایثار از این پیشنهاد صرف نظر می‌کند و می‌خواهد تا مانند سایر افراد جامعه در کنار مردم زندگی کند و زیستن در کنار افراد ریاکار کلیسا را باطل به شمار می‌آورد. توانایی آراستن فعالیت‌ها، رویدادها و روابط روزمره با جلوه‌هایی از امر مقدس از دیگر مؤلفه‌های هوش معنوی در داستان خلیل کافر است که خلیل در برهه‌های مختلف از معنویات برای پیشبرد اهداف بهره می‌گیرد و این عنصر در ارتباط با وی حکایت از یک فرآیند کمال‌بخش در زندگی است و موجب گردیده تا در شرایط وانفسای جامعه کمتر دچار درگیری با هوای نفس شود.

منابع و مآخذ

- الکساندر، سارا (۱۳۹۵ ش). هوش معنوی (از مدیریت تا رهبری در زندگی شخصی)، ترجمه فاطمه مهاجرانی و احسان اشرفی، تهران: نشر دانژه.
- جبران، خلیل جبران (۱۹۹۴). *المجموعة الكاملة لمؤلفات جبران*، بیروت: دار الجیل.
- جهان بخت لیلی، امید و پرماس، سمیه (۱۳۹۸). «خوانشی آدلری از داستان خلیل کافر اثر جبران خلیل جبران»، *دوفصلنامه نقد ادب معاصر عربی*، شماره ۱۸، صص ۷۷-۱۰۱.
- حسینی اجداد نیاکی، اسماعیل، پورمحمد، رحمت و بهرامی نصیرمجله، محمد (۱۳۹۱ ش). «جنبه‌های روانشناختی در تمثیل‌های ادبی قرآن و تأثیر آن در تربیت انسان»، *فصلنامه لسان مبین (پژوهش ادب عربی)*، سال سوم، شماره هفتم، صص ۱۱۰-۱۳۸.
- دزفولی، محمد و صیادانی، علی (۱۳۹۱ ش). «تحلیل و بررسی مصداق‌های واژه فتوت» *فصلنامه لسان مبین (پژوهش ادب عربی)*، سال سوم، شماره هفتم، صص ۱۶۴-۱۸۳.
- زارع، عفت (۱۳۹۶ ش). *هوش معنوی*، چاپ اول، مشهد: انتشارات جالیز.
- زارعی‌متین، حسن؛ خیراندیش، مهدی و جهانی، حوریه (۱۳۹۰ ش). «شناسایی و سنجش مؤلفه‌های هوش معنوی در محیط کار، مطالعه موردی در بیمارستان لبافی نژاد تهران»، *مجله پژوهش‌های مدیریت عمومی*، سال چهارم، شماره دوازدهم، صص ۷۱-۹۷.
- زهر، دانا و مارشال، یان (۱۳۹۶ ش). *هوش معنوی*، ترجمه زهرا فیاض و فاطمه فرساد، چاپ اول، تهران: انتشارات بعثت.
- ساغروانی، سیما (۱۳۸۸ ش). *هوش معنوی بُعد ناشناخته بشر*، مشهد: انتشارات آهنگ قلم.
- شعبانی، جعفر (۱۳۹۷ ش). *هوش معنوی*، چاپ دوم، تهران: نشر ساوالان.
- عبدالمهادی حسن، محمد (۲۰۰۷ م). *دلیلک العلمی إلى قوة الذكاء الروحي*، القاهرة: دار العلوم للنشر والتوزيع.
- غباری بناب، باقر؛ سلیمی، محمد؛ سلیمانی، لیلا و نوری مقدم، ثنا (۱۳۸۶ ش). «هوش معنوی»، *فصلنامه اندیشه نوین دینی*، شماره ۱۰، صص ۱۲۵-۱۴۸.
- الفقی، إبراهیم (۲۰۱۱ م). *قوة الذكاء الروحي*، القاهرة: ثمرات للنشر والتوزيع.
- قاسمی فرد، هدیه و زارع، ناصر (۱۴۰۰ ش)، «واکاوی مؤلفه‌های هوش معنوی در اشعار فاروق شویخ براساس دیدگاه رابرت ایمونز»، *فصلنامه لسان مبین (پژوهش ادب عربی)*، شماره ۴۶، صص ۸۳-۱۰۰.
- القشیری، ابوالقاسم عبد الکریم (۱۹۸۹ م). *الرسالة القشيرية*، تحقیق عبدالحلیم محمود و محمود بن الشریف، القاهرة: مؤسسه دار الشعب.
- Emmons, R. (2000). Is Spirituality an Intelligence? Motivation, Cognition, And the Psychology of Ultimate Concern: The International Journal For The Psychology Of Religion, 10 (1),3-26.
- Emmons, R. (2007). Thanks! How The new Science Can Make You Happier; Boston, New York: Houghton Mifflin Company.
- Nasel, D. D, (2004). Spiritual Orientation in Relation to Spiritual Intelligence: A consideration of traditional and New Age/individualistic spirituality; Unpublished thesis. Australia: The university of south Australia.

References

- Alexander, S. (2015), *Spiritual intelligence (from management to leadership in personal life)*: translated by Fatemeh Mohajerani and Ehsan Ashrafi, first edition, Tehran: Danje Publishing. (In Persian)
- Gibran, K. (1994), *The Complete Collection of Gibran's Works*, Beirut: Dar Al-Jeel. (In Arabic)
- Jahanbakht Lili, O & Permas, S. (2018) Adlerian reading of the story of Khalil Kafir by Gibran Khalil Gibran, "Two Quarterly Criticism of Contemporary Arabic Literature", No. 18, pp. 101-77. (In Persian). DOR: 10.22034/MCAL.2020.1672
- Hosseini A., et al (2013), psychological aspects in the literary parables of the Qur'an and its influence on human education, *Lasan Mobeen Quarterly (Arabic Literature Research)*, third year, seventh issue, pp. 110- 138. (In Persian)
- Dezfuli, M. & Sayadani, A. (2013), analysis and analysis of the examples of the word Fatut, "Lasan Mobeen Quarterly (Arabic Literature Research)", third year, seventh issue, pp. 164-183. (In Persian)
- Zare, E. (2016), *Hosh Manavi*, first edition, Mashhad: Jaliz Publications. (In Persian)
- Zarei M., et al (2019), identifying and measuring the components of spiritual intelligence in the workplace, a case study in Labafinejad Hospital, Tehran, "General Management Research Journal", fourth year, number twelve, pp. 71 - 97. (In Persian). DOR: 10.22111/JMR.2011.640

- Zohar, D. & Marshall, Y. (2016), *Spiritual Intelligence*, translated by Zahra Fayeze and Fatemeh Farsad, first edition, Tehran: Baath Publications. (In Persian)
- Saghravani, S. (2008), *Spiritual Intelligence of the Unknown Dimension of Humanity*, Mashhad: Ange Qalam Publications. (In Persian)
- Shabani, J. (2017), *Spiritual Intelligence*, second edition, Tehran: Savalan Publishing. (In Persian)
- Abdel-Hadi Hassan, M. (2007 AD), *Your Scientific Guide to the Power of Spiritual Intelligence*, first edition, Cairo: Dar Al-Ulum for Publishing and Distribution. (In Arabic)
- Ghbari Bonab, r & Salimi, M & Seliani, L & Nouri Moghadam, S. (2008) *Spiritual Intelligence*, "New Religious Quarterly", No. 10, pp. 125-148. (In Persian). DOR: 20.1001.1.20089481.1386.3.10.5.6
- Al-Fiqi, I. (2011 AD), *The Power of Spiritual Intelligence*, first edition, Cairo: Thammarat for Publishing and Distribution. (In Arabic)
- Qasimi Fard, H & Zare' N. (1400), and Akawi wrote "Hawsh al-Ma'nawwi" based on the poetry of Farouk Shuwaikh, based on the Didgah of Robert Emmons, "Faslnameh is a clear tongue (Pajhosh Arabic Literature)," Shamara 46, pp. 83-100. (In Persian). <https://doi.org/10.30479/LM.2020.13698.3068>
- Al-Qushayri, A. (1989 AD), *Al-Risala Al-Qushayri*, edited by Abdul Halim Mahmoud and Mahmoud bin Al-Sharif, 1st edition, Cairo: Dar Al-Shaab Foundation. (In Arabic)
- Emmons , R. (2000). Is Spirituality an Intelligence? Motivation, Cognition, And the Psychology of Ultimate Concern: The International Journal for The Psychology of Religion, 10 (1),3-26. (In Persian)
- Emmons , R . (2007). *Thanks! How The new Seience Can Make You Happier*; Boston, New York: Houghton Mifflin Company. (In Persian)
- Nasel ,D.D, (2004), *Spiritual Orientation in Relation to Spir itual Intelligence: A consideration of traditional and New Age/individualistic spirituality*; Unpublished thesis. Australia: The university of south Australia. (In Persian)
- Vaughan, F. (2003.) What is spiritual intelligence? *Journal of humanistic psychology*. 42 (2), 16-33.